

تاریخ پژوهش در آموزش موسیقی

نویسنده: مایکل مارک

ترجمه پویان آزاده^۱

آموزش موسیقی مانند دیگر تخصص‌ها آمیزه‌های از زیرمجموعه‌های گوناگون و ممزوجی است که فرای فعالیت‌های اصلی آموزش گسترش یافته است. پژوهش یکی از این زیرمجموعه‌ها است. پژوهش پدیده‌ی جدیدی است که به سرعت تکامل و رشد یافت. بیشترین پیشینه تحقیقات درخصوص آموزش موسیقی در قرن بیستم صورت گرفت، زمانی که موضوع موسیقی در بحث آموزش توسعه یافت و موجب طرح موضوعات مختلف و جدید برای محققان می‌شد. این خلاصه تاریخی [نوشته حاضر] شامل: تحقیقات اولیه در آموزش، آزمون‌ها، سیر ارزشیابی‌ها، تحقیقات دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، نقش همایش‌های بین‌المللی معلمان موسیقی، سازمان‌ها، دولت، موسسات خصوصی در تحقیقات آموزش موسیقی و ارتباط بین تحقیق و عمل است. با توجه به محدودیت اختصاص یافته به تنها یک بخش این مجموعه^۲، بیان تمام مطالب مربوط با عنوان‌های طرح شده در این مقاله امکان‌پذیر نیست؛ اما، تلاش بر این بوده است تا در حد امکان چشم‌اندازی از هر مطلب بررسی شود.

تحقیقات اولیه درباره‌ی آموزش و آموزش موسیقی

تحقیقات اولیه آموزشی

اگرچه بیشترین تحقیقات پیمایشی آموزش در قرن نوزدهم انجام شده است؛ اما، اولین پژوهش‌های گسترده شامل تجربیات شخصی مدرسان به عنوان یک پژوهشگر، در اوایل قرن اخیر صورت گرفت. یعنی زمانی که مفهوم علوم ارتباطی برای حل مسائل آموزشی به کار گرفته شد. در اکثر موارد نظرات محققان به صورت مکتوب و در همایش‌ها و جلسات مبادله می‌شد. اغلب اطلاعات روی تجربیات موفق شخصی معلمان متمرکز بود. این شیوه تجربیات شخصی (بار، دیویس، و یوهانسون، 1953) را که شامل بحث در مورد مسائل و مشکلات مربوط به آموزش می‌شد، در قرن بیستم توسط رویکردی مشورتی^۳ مورد پیگیری قرار گرفت. ناظران بین‌المللی همایش‌های موسیقی در انجمن‌های آموزشی (که در آینده راجع به آن توضیح خواهیم داد) نمونه‌ای از همین کاربرد مشورتی برای حل مسائل در آموزش موسیقی محسوب می‌شوند. اینها در واقع اقسام پژوهش اولیه بودند که همین تفکرات خرد، منجر به شکل‌گیری روش‌های علمی گردید.

^۱ . استادیار دانشکده موسیقی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. p.azadeh@art.ac.ir

^۲ منظور مقاله‌ی مورد نظر از مجموعه مقالات کتاب MENC است.

^۳ Deliberate approach

اولین جنبش وسیع و جامع که موجب رشد تحقیقات در آموزش شده است، در اواخر قرن 19 و اوایل قرن بیستم تحقیقاتی در زمینه‌ی آموزش به کودکان⁴ بود که به پیشرفت مشاهدات علمی و مطالعات در مورد کودکان کمک نمود. جی. استندلی هال⁵، [با] دریافت اولین دکترای روانشناسی در ایالات متحده (دانشگاه هاروارد، 1878)، پیش‌گام در جنبش آموزش علمی به کودکان بود. این جنبش سبب ایجاد تحقیقات بنیادین وسیعی گردید که بعدها منجر به پیشرفت تحقیقات کاربردی در آموزش موسیقی در سال‌های پیش‌رو شد (هام فریز، 1985؛ رایداوت، 1982). جنبش آموزشی مترقی موجب موفقیت مطالعات کودکان شد و همچنین تعامل بسیاری با فعالیت‌های آموزشی ایجاد کرد.

ادوارد ال. تورندیک⁶ چهره‌ی برجسته در زمینه‌ی پژوهش آموزشی اولیه در آمریکا است. او در سال 1899 به سمت آموزشیار روانشناسی ژنتیک در دانشکده معلمان دانشگاه کلمبیا منصوب گردید. هدف وی توسعه‌ی علم آموزی بود. تحقیقات او موجب پیشرفت روش‌های آزمایشی و اندازه‌گیری فهم و توانایی یادگیری در کودکان شد. لویس ترمن⁷ همانند تورندیک از هم‌نسلان محققان آموزشی به شمار می‌آید. مطالعات کلاسیک ترمن راجع به کودکان با استعداد، کمک شایانی به معلمان برای درک بهتر ماهیت استعداد خدادادی نمود. نسل بعدی محققان نظیر سیندلی پرسی و اسکینر و پیکات⁸ بودند که تحقیقاتشان را قبل از اتمام تحقیقات افرادی مثل تورندیک شروع کردند. آنها از طریق مطالعات رفتاری توانستند تاثیر بسزایی در ارتقاء آموزش داشته باشند.

تئوریسین‌های آموزشی و روانشناسی تلاش کردند در دو دهه‌ی اول قرن بیستم با تحولات صنعتی آمریکا هماهنگ باشند به این دلیل که روش‌های صنعتی در همه‌ی زمینه‌ها الگوهای استوار برای رسیدن به اهدافی با بیشترین بازدهی بودند. کارآمدی⁹ تبدیل به کلمه‌ی کلیدی برای معلمان شده بود. آنها در جستجوی یافتن راه‌هایی برای کارآمدی حداکثری مدارس بودند تا بدین ترتیب دانش‌آموزان را به شیوه موثرتری آموزش دهند. برای رسیدن به کارآمدی و ارزیابی موفقیت، داشتن اهداف مشخص ضروری بود. در نتیجه واژه‌ی استانداردسازی¹⁰ به دایره‌ی اصطلاحات آموزشی وارد شد. معلمان استاندارد در بسیاری از ابعاد آموزشی، مانند برنامه‌ی درسی و آموزش‌های عملی را ارتقا دادند.

کارآمدی و استانداردسازی نیازمند روش‌های اندازه‌گیری بود که مشخص نماید آیا آنها موفق بوده‌اند یا خیر. در نتیجه در دهه‌ی دوم قرن بیستم جنبش سنجشی عینی به وجود آمد. این نتیجه‌ی عدم اعتماد به امتیازدهی آزمون‌های ثبت شده بود که در دهه‌ی اول داده می‌شدند. معلمان از توانایی و دستاوردهای دانش‌آموزان‌شان اطلاعات اندکی داشتند و متوجه شدند که باید قادر به سنجش شخصیت ذهنی آنها به صورت صحیح باشند. تورندیک در «هفدهمین کتاب سال انجمن بین‌المللی برای مطالعه

⁴ Child-study

⁵ G. Stanly Hall

⁶ Edward L. Thorndike

⁷ Lewis Terman

⁸ Sidney Pressey, B. Fredrick Skinner, Jean Piaget

⁹ Efficiency

¹⁰ Standardization

آموزش» بخش دوم (1918) می نویسد: «هرچیزی که وجود دارد در ابعاد و اندازه‌های وجود دارد» بنابراین می‌تواند قابل شمارش باشند (ص 16). او همکارانش را در کشف روش‌های کمی ممکن در سنجش آموزش هدایت کرد.

نشریه‌ی پژوهش‌های آموزشی و انجمن محققان آموزشی آمریکا ای ای آر ای¹¹ هر دو در سال 1920 به منظور پاسخگویی به نیاز جمع‌گیری از علاقمندان به این نوع پژوهش تشکیل شدند. در ربع دوم قرن بیستم تحقیقات آموزشی به شدت گسترش یافتند، سال‌هایی که به عنوان "دوره تاکید بر روی فرآیند جمع‌آوری، بررسی و کیفیت‌سنجی اطلاعات آموزشی" نام گرفتند. ابزارهای بررسی در نیمه‌ی اول قرن رشد زیادی داشتند. سومین کتاب سال سنجش ذهنی، فهرستی از 663 آزمون و 549 کتاب درباره ارزیابی را ارائه داد (بروس، 1949). ای ای آر ای دوره تحقیقات آموزشی را در سال 1920 بنیان نهاد تا تحقیقات آموزشی را از منابع مختلف جمع‌آوری و به شکل خلاصه چاپ کند.

تحقیقات در آموزش موسیقی

به گفته اشنايدر و کدی¹² (1965، صص 33-34)، پژوهشی که به آموزش موسیقی مربوط می‌شود، تحقیقی است که "مربوط به زمینه‌های گسترش، تجزیه و تحلیل و ارزیابی در برنامه‌های آموزشی موسیقی باشند". این چنین پژوهش‌ها به معلم، شاگرد، فرآیند تدریس و فراگیری، عناصر تحصیلی و برنامه‌ی آموزش موسیقی می‌پردازد. با این تعریف، اولین پژوهش شناخته شده در آموزش موسیقی در کل تاریخ غرب مربوطه به افلاطون¹³ است که بازتاب فلسفه‌ی وی در مورد آموزش در موسیقی هنوز مورد توجه می‌باشد. گوئیدو د'آرتسو¹⁴ که در قرن 11 تحقیقاتی در زمینه‌ی سازهای موسیقی انجام داد، سیستمی برای خواندن نت‌های موسیقی برای شاگردانش طراحی کرده بود.

اولین فعالیت‌های رسمی پژوهش آموزش موسیقی در آمریکا، در قالب نظرسنجی بودند که کثرتی از آنها در قرن 19 توسط نهادهای قانون‌گذار، آژانس‌های دولتی، مدارس، سیستم‌های آموزشی، موسسات آموزش عالی و انجمن‌های معلمان انجام شده‌اند. نظرسنجی‌ها به معنای تعیین حقایق خاص درباره وضعیت موضوعات مختلف، آگاهی از ساختارهای سازمانی و بدست آوردن انواع دیگر از اطلاعات درباره مدارس عمومی بود. اولین کوشش معروف در جمع‌آوری اطلاعات آموزش موسیقی در آمریکا به صورت نظرسنجی بود که بخشی از یک پروژه بزرگتر محسوب می‌گردید که توسط ژنرال اسمبلی¹⁵ در سال 1837 حمایت می‌شد. هرنی بارنارد¹⁶ نقش مهمی در ترغیب قانون‌گذاران ایالتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات آموزشی داشت. پرسشگران به تمامی مدارس در ایالت در سال 1837 فرستاده شدند. "کار آقای بارنارد،" (1856) از معلمان خواسته شد به 8 سوال مربوط به آموزش موسیقی پاسخ گویند:

آیا شما توانایی خواندن آواز از روی نت را دارید؟

¹¹ AERA

¹² Schneider and Cady

¹³ Plato

¹⁴ Guido d'Arezzo

¹⁵ General Assembly

¹⁶ Henry Barnard

آیا شما سازی می‌نوازید؟

آیا شما در مدرسه تدریس آواز به صورت گوشی یا از روی نت دارید یا کاری در حیطه‌ی خوانندگی انجام می‌دهید؟

آیا از آواز به عنوان تسکین دهنده‌ی خلق و خوی بد یا رفع خستگی در مدرسه استفاده می‌کنید؟

آیا شما از سازی به عنوان همراهی‌کننده آواز استفاده می‌کنید؟

آیا صداسازی صحیح در آواز را به شاگردان یاد می‌دهید یا خیر؟

آیا شما صداسازی را با کمک حس شنوایی (گوشی) انجام می‌دهید یا با استفاده از دانش فیزیولوژی تولید صدا؟

چه تعداد از شاگردان، ناتوان از ادامه یادگیری هستند و یا در یادگیری مهارت نسبی از خود نشان می‌دهند؟

متأسفانه پس از مدت کوتاهی از شروع پروژه، بارنارد که به تازگی به عنوان مدیر این پروژه مشغول شده بود از سمتش برکنار شد و کانکتیکات^{۱۷} مدیر جدیدش را در تحقیقات آموزش موسیقی از دست داد. از دیگر مسائل تاسف‌آور، کمبود ثبت نتیجه‌ی برآوردها، یا عدم اطلاع از اینکه آیا این نتایج در مدارس کانکتیکات تاثیرگذار بوده است، را می‌توان نام برد.

تحقیقات پیمایشی دیگری به منظور جمع‌آوری اطلاعات مشابه انجام شد. سازمان آموزش و پرورش آمریکا نظرسنجی همگانی را به منظور آگاهی از وضعیت آموزش موسیقی در سراسر ایالت متحده در سال 1886 مورد حمایت قرار داد (برجی، 1987). دو سال بعد، بخش آموزش موسیقی انجمن ملی آموزش، پروژه‌ی دیگری را انجام داد (سیلور، 1889). پیمایش بعدی، وضعیت آموزش موسیقی را در سه دهه‌ی اول قرن نوزدهم مورد بررسی قرار داد. اغلب پیمایش‌ها توسط سیستم‌های مدارس شهری حمایت می‌شدند و مدارس چنان نقش مهمی داشتند که در برخی از آنها پژوهش‌های مخصوص به خودشان به وجود آمد تا نظرسنجی‌های خودشان را انجام دهند. اگرچه این پژوهش‌ها اطلاعات ارزشمندی را درباره‌ی وضعیت آموزش موسیقی جمع‌آوری می‌کردند؛ اما، برخلاف اکثر پژوهش‌های معاصر، آنها به مشکلات و مسائل مربوط به آموزش و یادگیری توجه کمتری داشتند.

همچنین، در دانشکده‌های مربیان و مدارس متوسط دفاتر تحقیقاتی نیز بوجود آمدند که فعالیت آنها در ارتقای آزمون‌ها و سنجش‌ها بسیار کاربردی محسوب می‌شدند. آزمون‌های موسیقی برای این دفاتر جذابیت نداشت. [البته] به غیر از دفاتر آموزش و سنجش و استانداردهای مدرسه‌ی امپوریا^{۱۸} در کانزاس^{۱۹}. در کتاب *آزمون‌های استاندارد موسیقی* اولین مجموعه آزمون‌های استاندارد در دستاوردهای موسیقی منتشر شده است (هامفریز، 1987).

در اوایل قرن بیستم، حرکتی قدرتمند مبتنی بر استفاده از اصول علمی در ارتقای آموزش بوجود آمد. فیلیپ سی. هایدن^{۲۰} را شاید بتوان اولین معلمی دانست که برای علمی‌نمودن آموزش موسیقی تلاش کرد. وی کمی بعد از پایان قرن نوزدهم سلسله مقالاتی نوشت که در آنها با استناد به تحقیقات تجربی تادیوس ال. بولتن^{۲۱} در زمینه‌ی درک موسیقی، ثابت کرد که گوش به

¹⁷ Connecticut: ایالتی از ایالت‌های نیوانگلند در شمال شرقی آمریکا است

¹⁸ Emporia

¹⁹ Kansas

²⁰ Philip C. Hayden

²¹ Thaddeus L. Bolton

گروه صداهای 2، 3 و یا 4 تایی گرایش دارد. هایدن این اصل را در نشست انجمن ملی آموزش در سال 1905 و همچنین در سال 1907 در نشست سرپرستان موسیقی در کواوکوک^{۲۲}، آیوا^{۲۳} مطرح کرد که در آن نشست فعالیت‌های همایش ملی سرپرستان موسیقی در حال توسعه محسوب می‌شد.

در دهه 1920، مجریان آموزش موسیقی خواستار تحقیق برای [دادن] یک تاییدیه یا [دادن] الگویی برای تمرینات شدند. در سال 1928 پیتر دایکما^{۲۴} نیاز به پژوهش بر روی استعداد‌های موسیقی، روش‌های آموزشی و "نتایج تدریس، تمرین و پیشرفت و هر آنچه که در شخص قدرت و توانایی موسیقایی ایجاد می‌کند" را در کتابش ارائه داد (دایکما، 1928، ص. 28). کیتل^{۲۵} (1932) نوشته است:

تحقیقات علمی باید هرچه بیشتر ما را قادر به حفظ سطح فعلی و حذف مراحل غیرضروری فعالیت‌هایمان سازد، به ما اجازه دهد دانش‌آموزان خود را بیشتر در مسیرهایی که ما را به اهدافمان نزدیک می‌کند، آموزش دهیم. علم و هنر توانایی ترکیب‌شدن را دارند و ترکیب مناسب در آینده موفقیت را به ارمغان می‌آورند (ص. 39).

یاکوب کال واسر^{۲۶} (1935) درباره اهداف بزرگ در تحقیقات آموزش موسیقی می‌نویسد:

ما باید از روش اجباری روی برگردانده و روشی را پیگیری کنیم که موجب فهم بیشتر و روشن‌گری می‌شود. باید به روش‌های آماده و پیشنهادات خیلی ساده تردید داشته باشیم. همچنین باید برابر شخصیت تحکمی، محتاط باشیم. هر معلم باید با داشتن روحیه پژوهش استخدام شود. فقط با جستجوی حقیقت که با دقت و پشتکار، مشاهده‌ی عکس‌العمل شاگردان نسبت به روش‌های متفاوت آموزشی و جستجو در اطلاعاتی که قبلاً مشاهده شده است، شاید بتوان آموزش موسیقی را تبدیل‌تعلیم موسیقی کرد. دوره‌ی آموزشی را به دستاوردهای موسیقایی و فراگیری موسیقی را به تجربیات لذت بخش هم برای کودکان و هم برای مربیان تبدیل کرد (ص. 162).

ویلسون^{۲۷} (1936) در سال 1935 مسئله‌ای را شناسایی کرد که تاکنون هم باقی مانده است. او گفت مدرسان موسیقی علاقه‌ای به پژوهش و یافته‌های پژوهشی ندارند و به همین خاطر است که آنها باید خودشان برای پژوهش برانگیخته شوند.

آزمون‌ها و ارزیابی‌ها در موسیقی

تحقیقات آموزش موسیقی با پژوهش‌های پایه‌ای افرادی چون کارل سی‌شور^{۲۸}، یاکوب کال واسر، رالی دارک^{۲۹}، ای. تایلر گاستون^{۳۰}، مکس اسشون^{۳۱}، و دیگران آغاز به کامل‌شدن نمود. آزمایشگاه‌های متعددی برای استفاده‌ی موسیقی با هدف ارتباط

22 Keokuk

23 Iowa

24 Peter Dykema

25 Kittle

26 Jacob Kwalwasser

27 Wilson

28 Carl Seashor

29 Raleigh Dark

30 E. Thayer Gaston

31 Max Schoen

با تحقیقات آموزشی موسیقی با رشته‌ی روانشناسی پایه‌گذاری شدند. آزمایشگاه سی‌شور در دانشگاه ایالتی آیوا جایی که او خود مدیر گروه کارشناسی دانشکده‌اش بود، یکی از آزمایشگاه‌ها محسوب می‌شد (اسمال، 1944). آزمایشگاه کارل دلبیو. گرکن^{۳۲} در دانشکده‌ی ابرلین (لندریم، 1961)، آزمایشگاه چارلز ایچ. فرنسورث^{۳۳} در دانشکده‌ی در معلمان کلمبیا (لیبی، 1982)؛ و آزمایشگاه اسبورن مک‌کانتی^{۳۴} در دانشگاه نورسوسترن^{۳۵} (پلات، 1973). این آزمایش‌ها محققان موسیقی و مجریان موسیقی را تحت تاثیر قرار داد و همچنین کسانی که اعتقاد بر این داشتند که آموزش موسیقی باید توسط سنجش‌های کمی موسیقایی پیشرفت نماید. این برای اولین بار بود که توجه ویژه‌ای به تمایز استعداد و موفقیت شد.

معیار استعداد موسیقایی

محققان، مشخصه‌هایی را برای سنجش استعداد موسیقایی یافتند. سی‌شور را می‌توان پیشرو در سنجش آن چیزی که او نامش را ذوق موسیقایی^{۳۶} نامید، دانست. او با کمک این سنجش توانایی ذوق موسیقایی که شامل درک شنوایی، احساس و فهم موسیقایی می‌شد را شناسایی کرد. او اعتقاد داشت که این تنها وجه فیزیکی موسیقی است که کمی است. بنابراین، قطعاً با معیاری معین قابل اندازه‌گیری هستند. اندازه‌گیری فیزیکی امکان‌پذیر است زیرا حرکات صدا قابل ارزیابی و منبع تولید صدا نیز قابل کنترل است. در نتیجه دریافت و درک آن نیز قابل سنجش است. او توجهی به سنجش احساس و فهم موسیقی نداشت. زیرا این دو مورد به صورت کمی قابل اندازه‌گیری نیستند. تئوری سی‌شور به عناصر خاصی از موسیقی مربوط می‌شود (زیر و بمی، بلندی صدا، دیرند، ریتم، رنگ صوتی، حافظه تونال). بر اساس نظریه‌ی سی‌شور این عوامل همواره قابل سنجش و ثابت هستند. طبق گزارشات سی‌شور، این ظرفیت‌ها در ابتدای گستره‌ی زندگی ایجاد می‌شوند و با آموزش و رسیدن به کمال تغییر محسوسی نخواهند کرد. سی‌شور اولین مجموعه‌ی استاندارد سنجش استعداد موسیقایی را در سال 1919 در کتاب *سنجش‌های سی‌شور از استعدادهای موسیقی*^{۳۷} منتشر کرد. این کتاب شامل شش پرسش برای سنجش کوک، تشخیص بلندی صدا، حساسیت به تفاوت در فواصل، فهم تفاوت‌های الگوهای ریتمیک، تشخیص درجات هم‌صدایی و حافظه‌ی تونال بود. نسخه‌ی ویرایش شده، *معیار استعداد در موسیقی*^{۳۸}، توسط سی‌شور، لوئیس، و سیت‌ویت^{۳۹} در سال 1939 به چاپ رسید. امروزه این نسخه در سی‌دی‌های با حجم زیادی در دسترس است.

مخالفان نظریه‌ی سنجش موسیقایی سی‌شور به رهبری روانشناس جیمز ال. مورسل^{۴۰} معتقد بودند که نظریه استعداد موسیقی سی‌شور قبلاً در مدرسه روانشناسی گشتالت^{۴۱} بررسی شده است.

³² Karl W. Gehrrens

³³ Charles H. Fransworth

³⁴ McConthy

³⁵ Northwestern

³⁶ Musicality

³⁷ Seashore Measures of Musical Talents

³⁸ Measures of Musical Talents

³⁹ Seatveit

⁴⁰ James L. Mursell

⁴¹ Gestalt

با نگاهی کلی به عناصر موسیقی، مورسل و دیگر منتقدان نمی‌توانستند تجزیه‌ی اجزای موسیقی به بخش‌های جداگانه را بپذیرند. توجه مورسل به موسیقی بیشتر به سمت ویژگی‌های گروهی مرتبط به یکدیگر در غالب ظرفیت حسی بود. سی‌شور اعتقاد داشت که هر یک از اجزاء سنجش‌مورد نظر وی قادر خواهد بود تا به صورت جداگانه ارزش‌گذاری شود و در این صورت یک موسیقی‌دان می‌تواند در بیشتر بخش‌ها شایستگی لازم را بدست آورد.

این اختلاف مکتب‌ها در سال‌های بعد نیز موجب شدت گرفتن بحث‌ها و مجادلات گردید و همچنین به مانعی جدی برای یافتن راه حلی قطعی برای چگونگی سنجش استعداد در موسیقی در آن زمان تبدیل شد. از دیگر سنجش‌های مهم تاریخی در استعداد موسیقی *آزمون‌های موسیقی کالواسر-دایکم*^{۴۲}، منتشر شده در سال 1930 است که مانند سنجش‌های سی‌شور انواع استعدادها را اندازه‌گیری می‌کرد. و *آزمون‌های استعداد موسیقایی تیلسون-گرچ*^{۴۳} (1941)، *آزمون‌های استعداد موسیقی دارک*^{۴۴} (1954-1957)، *آزمون استعداد موسیقی کالواسر*^{۴۵} (1953)، *آزمون موزیکالیت گاستون*^{۴۶} (1942، 1950، 1956، 1957)، *آزمون‌های استاندارد وینگ از استعداد موسیقایی*^{۴۷} (1939، 1948، 1957، 1960، 1961)، *نمودار استعداد موسیقایی گردن*^{۴۸} (1965)، و *اندازه‌گیری توانایی‌های موسیقایی از بنتلی*^{۴۹} (1966) را هم می‌توان اشاره کرد.

دستاوردهای موسیقی

معلمان موسیقی موجب رشد و استفاده‌ی تعداد بیشماری از دستاوردهای آزمون‌های موسیقی شدند. این دستاوردها شامل *آزمون موسیقی بیچ*^{۵۰} (1920-1930)، *آزمون دستاوردهای موسیقی کالواسر-راج*^{۵۱} (1925-1927)، *آزمون فهم و آگاهی موسیقی کالواسر*^{۵۲} (1927)، *دستاوردهای ناث در آزمون موسیقی*^{۵۳} (1936-1966)، *آزمون دستاوردهای موسیقی الیفیرز*^{۵۴} (1947، 1949، 1950، 1954)، و *آزمون‌های دستاوردهای موسیقی سطح ابتدایی*^{۵۵} (1965) آزمون‌های دستاوردهای موسیقی (1969) *از ریچارد کولول*^{۵۶} از جمله این فعالیت‌ها است. به موارد ذکر شده در بالا می‌توان تعداد بسیار زیادی از آزمون‌ها و سنجش‌های توانایی و موفقیت را نیز اضافه کرد که بسیاری از آنها توسط ارزیابی‌های برنامه‌درسی و یا به عنوان موضوع پایان‌نامه‌های دانشگاهی مورد مطالعه و تایید قرار گرفته‌اند.

⁴² Kwalwasser-Dykema Music Tests

⁴³ Tilson-Gretch Musical Aptitude Tests

⁴⁴ Darke Musical Aptitude Tests

⁴⁵ The Kwalwasser Music Talen Test

⁴⁶ The Gatson Test of Musicality

⁴⁷ The Wing Standardized Test of Musical Inteligence

⁴⁸ The Gordon Musical Aptitude Profile

⁴⁹ The Measures of Musical Ability by Bentley

⁵⁰ The Beach Music Test

⁵¹ The Kwalwasser-Ruch Test of Musical Accomplishment

⁵² The Kwalwasser Test of Music Information and Appreciation

⁵³ The Knuth Achievement Test in Music

⁵⁴ The Aliferis Music Achievement Test

⁵⁵ The Elementary Music Achievement

⁵⁶ Music Achievement

حرکت و جنبشی که در آزمون‌ها و سنجش‌ها بوجود آمد، ثابت کرد که در مشاغل آموزش موسیقی، فعالیت‌های عملی نسبت به دیگر فعالیت‌های تحقیقاتی جذابیت بیشتری دارند. معلمان موسیقی بیشتر آزمون‌ها را در موقعیت‌های عملی انجام می‌دادند و همینطور بیشتر تصمیمات حیاتی در مورد شاگردان، بر اساس نتایج آن آزمون‌ها گرفته می‌شدند و این آزمون‌ها فعالیت‌های تحقیقاتی وسیعی بودند که بیشترین تاثیر را در کلاس‌های عملی به جا گذاشتند.

تحقیقات در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها

معلمان موسیقی به‌عنوان محقق

همانطور که سیر سنجش‌ها و آزمون‌ها در حال رشد و گسترش بود، معلمان موسیقی علاقه‌مند شدند که از روش‌های علمی به عنوان اصول تحقیقات خودشان بیشتر از تکیه بر روش‌های روانشناختی استفاده کنند. اغلب فعالیت آنها، تحقیقات عملی بود که به تحقیقات پایه‌ای روانشناسان تعمیم داده می‌شد. از دهه‌ی 1930 تاکنون اکثر تحقیقات آموزش موسیقی در زمینه‌ی آموزش عالی انجام شده است. بیشتر آنها مربوط به فعالیت‌های اساتید بود. اما، تعداد بیشماری از این تحقیقات در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و رساله‌های دکترا ارائه شده بود. جنبه‌ی ناگوار این است که تعداد خیلی از فارغ‌التحصیلانی که قادر به کسب مدارک تحصیلی در زمینه‌ی آموزش موسیقی شده‌اند، فعالیت‌های تحقیقی خود را بعد از اتمام رسمی تحصیلاتشان ادامه دادند.

موضوعات تحقیقات شامل آزمون‌ها و سنجش‌هایی است، که تا امروز مورد پسند بوده‌اند، و عملاً در هر حوزه‌ی جالب در حرفه‌ی آموزش موسیقی بوده است.

بیشتر تحقیقات اولیه ماهیتی کمی داشتند، تمایلشان به سمت آزمون‌ها، سنجش‌ها و نظرسنجی‌ها بود. اما، تعداد زیادی از موضوعات تاریخی نیز مورد توجه بوده است. ازدیاد موضوعات، جذابیت سلامت ذهنی را در تمام اشکال آموزش موسیقی نشان می‌دهد. اما، این موضوع جنبه منفی نیز دارد. ریمر⁵⁷ (1985) به این موضوع اشاره می‌کند که تحقیقات آموزش موسیقی از نظر تئوری گسترش یافته است، بدون داشتن تعریف معینی از نقش خودش در ارتباط با تمرین‌ها یا بهترین راه برای به کارگیری حداکثری دانش. وی به کمبود وجود فلسفه‌ای اصولی در زمینه‌ی راهبرد تحقیقات اشاره می‌کند:

تحقیقات آموزش موسیقی، به عنوان رشته‌ایی که قابلیت سرمایه‌گذاری دارد در تلاش برای فهم و بهبود آموزش و یادگیری موسیقی، تهی از سطوح ناکافی اصول نخستین در سیستم منسجم در راهبری قواعد برای انجام امور خود می‌باشد (ص. 18)

در دهه‌ی 1930 پیشرفت تحصیلات تکمیلی در آموزش موسیقی تاثیر عمیقی بر روی تحقیقات آموزش موسیقی گذاشت. در ابتدا، انگیزه‌ی کمی برای ایجاد رشته‌ی مستقل دکترای آموزش موسیقی وجود داشت، و اکثر موضوعات تحصیلی در

مقطع دکترا در این رشته در چارچوب برنامه‌های آموزشی عمومی جای می‌گرفت. قبل از دهه‌ی 1950 بسیاری از دانشگاه‌ها متقاضی ایجاد دانشکده‌ای بودند که شامل مقطع کارشناسی‌ارشد باشد. تا آن زمان هیچ دانشگاهی، دانشکده‌ای مجزا برای مقطع دکترا نداشت.

در نیمه‌ی قرن، مدارس عادی به دانشکده‌های دولتی معلمان تبدیل شدند، که بعدها به دانشکده‌ها یا دانشگاه‌های هنری آزاد توسعه یافتند. بسیاری از آنها برنامه‌های آموزش موسیقی در مقطع کارشناسی‌ارشد و برخی در مقاطع دکترا را ارائه می‌دادند. این برنامه‌های آموزشی موسیقی جدید، تعداد دانشکده‌های تحقیقاتی موسیقی که درگیر تحقیقات بودند را افزایش داد و تأثیرش را روی دانشکده‌های تحقیقاتی دیگر دانشگاه‌ها نیز گذارد.

برای درک فعالیت‌های تحقیقاتی منحصر بفرد که توسط متخصصین انجام شده است، مروری بر تاریخ تحصیلات تکمیلی در آموزش موسیقی در ایالات متحده ضروری است. ریشه‌های متداول تحقیقاتی کارشناسی‌ارشد و دکترا را در قرون وسطی می‌توان یافت. اصولاً، مقطع کارشناسی‌ارشد بخشی از سیستم صنفی قرون وسطی بود. متقاضیان کارشناسی‌ارشد باید به منظور نشان دادن صلاحیتشان، آزمون‌های سختگیرانه‌ای را می‌گذراندند و نمایش صلاحیت در رشته‌ی تحصیلی‌شان از الزامات مورد نیاز برای تدریس بود. مقطع دکترا یک مدرک دانشگاهی بود. دانشجویان دکترا دانش عمیقی در رشته‌ی دانشگاهی‌شان داشتند، و دارای صلاحیت تدریس نیز بودند؛ و قابلیت پیگیری تحقیقاتی که نتیجه‌ی آنها در کمک به دانش تأثیرگذار بود را داشتند. مقطع سنتی دکترا همیشه مدرکی تحقیقاتی بود که برای آماده‌سازی مدرسین در نظر گرفته نشده بود. اما، در طی قرن بیستم اغلب افراد دارای مدرک دکترا، معلم نیز بودند.

الگویی که دانشگاه‌های تحقیقاتی آمریکایی طبق آن بنا نهاده شده بودند، مانند دانشگاه‌های آلمانی بود. در سال 1876 دانیل کویت گیلمن⁵⁸ به عنوان اولین رئیس دانشگاه جانز هاپکینز⁵⁹، این دانشگاه را به تقلید از دانشگاه برلین در اولویت‌سازی پیشرفت دانش از طریق کمک هزینه‌های دانشجویی و تحقیقات، الگوسازی کرد. این وضعیت، حرکت بنیادینی بود برای تحصیلات عالی در آمریکا، که برای اکثر قسمت‌ها دانشجویانی را برای وزارتخانه‌ها یا برای ورود به حرفه‌های مختلف آماده می‌کرد. این قبیل نهادهای با ارزش مانند دانشگاه‌های ییل⁶⁰ و برون⁶¹ و دانشکده ویلیام⁶² و مری⁶³ ذاتاً به دنبال بهبود خصوصیات اخلاقی افراد جوان بودند. موفقیت دانشگاه جانز هاپکینز به عنوان مکانی تحقیقاتی به سرعت از سمت

⁵⁸ Daniel Coit Gilman

⁵⁹ Johns Hopkins University

⁶⁰ Yale University

⁶¹ Brown University

⁶² William College

⁶³ Mary College

دانشگاه‌های هاروارد^{۶۴}، کورنل^{۶۵} و کلمبیا^{۶۶}، دانشگاه میشیگان^{۶۷} و دیگر دانشگاه‌ها مورد تقلید قرار گرفت. در آموزش عالی و دانشگاه‌های آمریکا، سنت آلمانی به یک دوره گسترده آموزش تحقیق تبدیل شد.

دانشگاه ییل در سال 1861 اولین دکترای آمریکا را اعطا کرد؛ اما، تا بعد از جنگ جهانی اول دکترای آموزش اهمیت اندکی برای دانشجویان داشت، زمانی که رتبه‌ی جدید، دکترای آموزش، محبوب شد. دانشگاه هاروارد اولین دانشگاهی بود که در سال 1921 مدرک ارائه داد [و] آن در واقع دوره‌ای برای تربیت معلم و مدیر مدارس بود. اما، همانگونه که تحصیلات عالی تعداد بیشتری از دانشکده‌ها با صلاحیت تدریس می‌طلبید، این رتبه شباهت زیادی با مدرک دکترای پیدا کرد. امروزه با کنار گذاشتن نیازهای زبانی، تفاوت اندکی بین پی.اچ.دی و ای.دی.دی^{۶۸} (یا در برخی موسسات دی.ای.دی) وجود دارد. به غیر از اینکه ای.دی.دی در گروه‌های آموزشی به عنوان مدرک تخصصی در آموزش ارائه می‌شود، انتظار می‌رود همه متقاضیان دکترای صلاحیت تحقیقات داشته باشند. آنها دوره‌های تحقیقاتی را می‌گذرانند و رساله تنظیم می‌کنند و بسیاری از آنها در فعالیتهای علمی مشارکت مهمی دارند.

دانشکده‌های موسیقی در تمام گرایش‌هایش در آموزش عالی به صورت مرسوم انتظار دارند استانداردهای موسیقایی و دانشگاهی را در سطح فعالیتهای علمی و هنری در سطوح مختلف دیگر رشته‌ها نیز داشته باشند. این جنبه‌ی علمی فعالیتهای دانشکده‌های آموزشی موسیقی است که به سوی فعالیتهای تحقیقی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها سوق داده شده‌اند. دانشکده‌ی موسیقی مانند دانشکده‌های دیگر، جهت تامین اعتبار برای موسسات خود، اعتبارسنجی موسسات، درجات دانشگاهی و برای حمایت از تبلیغات شغلی به مدارک عالی نیاز دارد.

هر چه مدرک دکترای بیشتری در موسیقی اعطا شود، انجمن تحقیقاتی گسترده‌تر می‌شود و اشخاص بیشتری به این جمعیت ملحق می‌شوند. بسیاری از کسانی که در روش‌شناسی تحقیقات بخوبی آموزش دیده‌اند، این را به عنوان علاقه‌ی شخصی و کاری در نظر می‌گیرند. آنها به فعالیتهای تحقیقاتی خود بعد از دریافت دکترای ادامه می‌دهند و برای نشریات حرفه‌ای مانند ژورنال‌های تحقیقاتی موسیقی و پژوهشنامه شورای تحقیقی موسیقی، مقاله می‌نویسند. همچنانکه انجمن تحقیقاتی گسترش پیدا می‌کند و خروجی تحقیقاتی زیاد می‌شود، انتشار نتیجه‌ی تحقیقات معیار مهمی برای ارتقا محسوب می‌شود. انگیزه‌ی دیگر برای فعالیتهای تحقیقاتی، شناخت و اعتباری است که به همراه موفقیت در زمینه‌ی آموزش موسیقی به عنوان یک محقق ناشر بدست می‌آید.

گسترش تحقیقات

⁶⁴ Harvard University

⁶⁵ Cornell University

⁶⁶ Columbia University

⁶⁷ University of Michigan

⁶⁸ Ed. D: طرحی پژوهشی و آموزشی برای آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان دکترای جهت همکاری در بحث آموزش محسوب می‌شود.

در اواسط قرن بیستم، تحقیقات آموزشی، به صورت قابل ملاحظه‌ای گسترش یافت و فرصت جدیدی برای محققان آموزش موسیقی ایجاد شد. آر. استوارت جونز⁶⁹ (1957) جایگاه تحقیقات آموزش موسیقی را در سال 1956 بررسی کرد و پی به گرایش‌های روش‌شناسی شامل: مطالعات پرسشنامه‌ی اصولی، تجزیه و تحلیل ارتباطات، تحقیقات رفتاری، و شرایط شبیه‌سازی برد. در این میان توجه اندکی به روش‌ها و اصول آموزشی شده بود و بیشتر به زمینه‌هایی مانند "راهنمایی، شرایط اجتماعی گروه‌ها، علائق، استعداد و..." پرداخته شد. هرچند در آن زمان کودکان، موضوع بیشتر تحقیقات آموزش موسیقی بودند؛ اما، تحقیقات قلیلی در مورد اینکه چگونه به آنها آموزش داده شود، انجام شد (جونز، 1957، ص. 5). بعضی از حوزه‌ها در زمینه‌هایی خاص که جونز تشخیص داد شامل پویایی گروه، تحلیل انگیزشی، جامعه و سطح سواد آن بود. وی تحقیقات بین رشته‌ای در آموزش که در دهه‌ی بعد ریشه‌های محکمی با بسیاری از پژوهش‌هایی که توسط دولت حمایت می‌شد را به عنوان گرایش جدید مطرح کرد.

جونز همچنین متوجه شد که تحقیقات آموزشی به سه دلیل جدید با تاخیر پیش می‌رود: 1. محققان آموزشی، که قابل احترام هستند، اغلب طرح‌های تحقیقاتی و روش‌های کمی را برای سبقت گرفتن در ارائه‌ی ایده‌های خلاقانه نادیده می‌گیرند؛ 2. علائق تحقیقاتی به سمتی کشیده می‌شوند که بتوانند از لحاظ مادی تامین شوند؛ و 3. تحقیقات و نوشته‌ها، به عنوان سنجش اولیه در ارتقا دانشکده در دانشگاه‌ها محسوب می‌شدند و این موضوع سبب می‌شود تا کمیت تحقیقات بر کیفیت آنها ارجحیت پیدا کند.

در قرن بیستم، محققان آموزشی اغلب از تحقیقات رشته‌های دیگر الگوبرداری می‌کردند. توجه زیاد به الگوبرداری از تحقیقات در علوم فیزیکی، محققان آموزشی را متقاعد کرد که این موضوع مهم امری پربار برای حل مشکلات و مسائل آموزشی نیست. در واقع توافقات گسترده نشان می‌دهد که [امر] آموزش ارتباط بسیاری به علوم رفتاری و اجتماعی دارد تا علوم فیزیکی. برخی پرسیده‌اند که آیا موسیقی موضوع مناسبی برای تحقیقات تجربی است یا خیر. بنت رایمر⁷⁰ (1985)، همزمان با دیگران، اشاره می‌کند که شرایط تجربی بسیار دقیق قابل خلق شدن نیستند. زیرا امکان کنترل و اداره کردن مردم در حد لازم برای ایجاد چنین شرایطی امکان‌پذیر نیست.

کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی

به سبب وسعت گسترده‌ی تحقیقات انجام شده در دانشکده‌ها و دانشگاه‌های آمریکا، دریافت دیدگاهی جامع در باب موضوع مورد نظر دشوار است. یکی از روش‌های شناخت دستاورد محققان از طریق کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی است. بسیاری از این مجموعه کتابشناسی‌ها توسط محققان آموزش موسیقی تدوین شده‌اند که در مورد مسائل ادبی تحقیق و مطالعه می‌کردند و در برخی موارد این دو مورد را با هم می‌آمیختند. در نتیجه جامعه‌ی محققان قادر به شناخت سوابق تحقیقات اخیر می‌شدند. هامفریز⁷¹ (1989) "کتابشناسی رساله‌های دکترا را با پایان‌نامه‌هایی که به آموزش موسیقی مربوط می‌شد را در هم آمیخت

⁶⁹ R. Stewart Jones

⁷⁰ Bennett Reimer

⁷¹ Humphreys

(1895-1931). مطالعاتی که نشان‌دهنده 194 پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد و 66 رساله‌ی دکترا از 51 موسسه بود. تنها سه پروژه مربوط به قرن نوزدهم بود: تادئویس ال. بولتن^{۷۲} ("ریتم - دانشگاه کلارک 1895") جان جی. داوسون^{۷۳} ("ارزش آموزشی موسیقی وکال دانشگاه نیویورک 1895") و چارلز ویلیام جانسون^{۷۴} ("کوک موسیقی و اندازه‌گیری فواصل در یونان باستان - دانشگاه جان هاپکینز 1896"). هیچ کدام از این رساله‌های قرن نوزدهم در دانشکده موسیقی نوشته نشدند.

بسیاری از کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی آموزش موسیقی تحت حمایت انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی نوشته شده‌اند. اولین "کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی در آموزش موسیقی 1932-1944" کتابچه‌ای 55 صفحه‌ای بود که توسط دانشگاه ایالتی آیوا برای منک^{۷۵} به قیمت 1 دلار منتشر شد. مطالعات توسط آرنلد ام. اسمال^{۷۶} با همراهی کمیته‌ی تحقیقات آموزش موسیقی منک به ریاست ویلیام اس. لارسن^{۷۷} دانشجوی کارل سی‌شور گردآوری شد. این مطالعات شامل تحقیقات منتشر شده و نشده بود. تاریخ تحقیقات گزارش شده (1932-1944) عامدانه با هدف نمایش "بیشترین علاقه و ارزش کاربردی" انتخاب شدند. در توضیح معیار این انتخاب لارسن گفته است:

فقط آن دسته از مطالعاتی که عنوان‌شان نشان‌دهنده‌ی ارتباط با آموزش موسیقی بودند، پذیرفته شدند. با در نظر گرفتن کمک هزینه‌ی مقرر برای مطالعات روانشناسی کاربردی موسیقی، در دانشگاه ایوا انجام شد، که بطور مستقیم و غیرمستقیم سهم زیادی در تحقیقات آموزشی موسیقی داشتند.

لارسن "کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی در آموزش موسیقی" را منتشر کرد: 1932-1948 (1949). "کتابشناسی مطالعات تحقیقاتی وی در زمینه‌ی آموزش موسیقی، 1949-1956" (1957) در سال 1957 در مجله‌ی تحقیقاتی آموزش موسیقی به چاپ رسید. که شامل فهرست 36 هزار مطالعه‌ی انجام شده از 1932 تا 1956 بود. اکثر این کتابشناسی‌ها برای تکمیل تقاضا در مقطع کارشناسی‌ارشد انجام شده بودند و 420 عدد شامل رساله‌های دکترا می‌شدند. بسیاری از این پروژه‌ها برای تحقیقات دانشکده‌ای بودند و نه برای پایان‌نامه‌ها. معیار اصلی انتخاب هم سهم آنها در کمک در آموزش موسیقی بود.

ردریک دی. گُردُن^{۷۸} کتابشناسی بزرگ دیگری، در مجله‌ی تحقیقات در زمینه‌ی آموزش موسیقی منتشره در سال 1964 را تدوین کرد. این کتابشناسی عنوان‌های رساله‌های دکترا که بین سال‌های 1957 تا 1963 تدوین شده بودند، را شامل می‌شد. گُردُن (1978) به تدوین کتابشناسی رساله‌های دکترا برای چاپ در مجله‌ی تحقیقات در زمینه‌ی آموزش موسیقی (JRME)^{۷۹} ادامه داد، آخرین کتابشناسی وی شامل دوره‌ی 1972 تا 1977 بود.

72 Thaddeus L. Bolton

73 John J. Dawson

74 Charles William Johnson

75 MENC

76 Arnold M. Small

77 William S. Larson

78 Roderick D. Gordon

79 Journal of Research in Music Education

نقش همایش‌های ملی مدرسان موسیقی در تحقیقات

اگرچه بسیاری از روانشناسان و مدرسان موسیقی فعالانه به دنبال تحقیق در گونه‌های مختلف آموزش موسیقی در دانشگاه‌ها بوده‌اند؛ انجمن ملی مدرسان موسیقی به عنوان سازمانی جامع مسئولیت توسعه، تقویت و کمک به گسترش استانداردهای تحقیقات آموزش موسیقی را برعهده دارد. بدون شک، تحقیقات در آموزش موسیقی بدون حمایت سازمانی حرفه‌ای ادامه می‌یافتند، اما سازمان منس⁸⁰ مزایای تحقیقاتی‌ای را ارائه داد که بدون کمک آن‌ها استفاده از این مزایا به سختی ممکن می‌شد. ام ای ان سی به عنوان مثال میدانی مورد پردازش قرار می‌گیرد.

شورای آموزشی

فعالیت‌های تحقیقاتی منس با شورای آموزشی آن در سال 1918 بنیان‌گذاری شد که بعدها به شورای تحقیقاتی آموزش موسیقی تبدیل شد. نقش تحقیقاتی شورای آموزشی از عملکردش در زمان حال متفاوت بود. این شورا پژوهش‌نامه‌هایی در زمینه‌های مختلف آموزش موسیقی منتشر کرد، از جمله راهنماهای برنامه‌های آموزشی، اطلاعاتی در مورد آموزش سرپرست موسیقی و دیگر موضوعات که مطابق با روال آن زمان، داده‌های مطالعات میدانی پایه بسیاری از گزارش‌ها بوده‌اند. کارل گرکنز⁸¹ و هولیس دان⁸² برای یکی از واحدهای درسی دانشگاهی خود موظف به ارائه توصیه‌هایی برای آماده‌سازی سرپرستان موسیقی شدند. تایید گزارش آن‌ها در تاریخ 8 آوریل 1921 و در ادامه چاپ آن با دوره‌ی استاندارد موسیقی برای سطح مبتدی همراه شده و رویدادی مهم در تاریخ منس تقی گردید. گزارش‌های گرکنز و دان ابلاغیه⁸³ شماره یک را شامل می‌شوند.

ابلاغیه شماره‌ی یک، با مجموعه انتشارات دیگر بر روی موضوعات بسیاری دنبال شد که این انتشارات از آن زمان در انتشارات، همایش‌ها و دیگر مجامع بازنشر شدند. عناوین دیگر ابلاغیه اولیه در خدمت عضویت و پیشرفت دلایل آموزش موسیقی طی تحقیقات بودند. این عناوین شامل دوره‌ی چهار ساله‌ی آموزش سرپرستان موسیقی (1921)، امتیازات دبیرستان برای مطالعات کاربردی موسیقی (1922)، دانشجویان سال آخر دبیرستان موسیقی (1925)، گزارشی بر موسیقی در مدارس روستایی تک-معلمی (1926) و مطالعات میدانی و آزمون‌ها و ارزیابی‌ها در آموزش موسیقی بودند.

در سال 1923 نام شورا به شورای تحقیقات ملی آموزش موسیقی تغییر یافت، اما عملکرد آن یکسان باقی ماند. نام شورا بار دیگر در سال 1932 به شورای تحقیقاتی آموزش موسیقی تغییر یافت. منس به عنوان شاخه‌ی تحقیقاتی کنفرانس ملی مدرسان موسیقی باقی ماند. شورای تحقیقاتی آموزش موسیقی از سال 1940 تا 1960 نسبتاً فعالیتی نداشت. طی دهه 1950 با همکاری در برخی پروژه‌های نشر با مجله‌ی تحقیقات در آموزش موسیقی شروع به احیای دوباره‌ی خود کرد؛ این

⁸⁰ MENC: Music Educators National Association

⁸¹ Karl Gehrkens

⁸² Hollis Dann

⁸³ Bulletin

پروژه‌ها شامل انتشار کتاب‌شناسی مطالعات تحقیقاتی بر آموزش موسیقی^{۸۴}، 1949-1957، شاخص آمریکایی فصل‌نامه موسیقایی^{۸۵} (1915 - 1957)، اعلام مورد نیاز برای آموزش موسیقی- کتاب‌شناسی منتخب^{۸۶} (1954) می‌شدند. مقاله‌ی شماره‌ی هفتم اساسنامه‌ی منس، شورای منس را به‌عنوان عضو کنترل‌کننده‌ی انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی (اس ار ام ای)^{۸۷} شناسایی می‌کند.

انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی

اس ار ام ای زیر نظر ام ای ار سی در سال 1960 تاسیس شد. اهداف اس ار ام ای «تشویق و پیشبرد تحقیقات در حوزه‌های مربوط به آموزش موسیقی» است. این انجمن برای عمل‌گرایانه‌ترین دلیل ممکن - به منظور تسهیل پیروی از قوانین پستی در توزیع مجله‌ی تحقیقات در زمینه‌ی آموزش موسیقی - ایجاد شد. اهداف این انجمن به این قرار است:

1. حمایت از جلسات معنادار معاهدات ملی منس که به گزارشات مطالعات تحقیقات موضوعات مربوطه‌ی آن اختصاص داده می‌شوند.
2. حمایت جلسات مشابهی در سطح ایالتی و تقسیماتی از طریق واحدهای ایالتی و تقسیماتش.
3. فراهم آوردن چهارچوبی مؤثر به منظور تبادل اطلاعات در میان افراد درگیر یا علاقمند به تحقیقات در زمینه‌ی آموزش موسیقی.
4. تشویق تمامی تحقیقات در زمینه‌ی آموزش موسیقی و رشته‌های مربوط به آموزش موسیقی (جونز، 1957، ص. 5).

زمانی که در سال 1963 مجله‌ی تحقیقات در آموزش موسیقی به عنوان انتشارات رسمی اس ار ام ای انتصاب یافت، وظیفه‌ای اصلی به آن واگذار شد. اعضای منس که با همکاری با جی ار ام ای^{۸۸} موافقت نموده بودند، به‌طور خودکار اعضای انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی شدند.

گروه‌های مورد علاقه‌ی تحقیقاتی ویژه

یکی از راه‌هایی که انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی برای توسعه و حمایت تحقیقات آموزش موسیقی به سراغ آن رفت، تشکیل گروه‌های مورد علاقه‌ی تحقیقاتی ویژه (اس ار ای جی)^{۸۹} متعدد بود که طی قراردادی در سال 1978 در شیکاگو شکل

⁸⁴ Bibliography of Research Studies in music Education

⁸⁵ American Index to the Musical Quarterly

⁸⁶ Musical Education Materials-A selected Bibliography

⁸⁷ SRME

⁸⁸ JRME

⁸⁹ SRIG

گرفتند. این گروه‌ها، که تحت نظارت انجمن تحقیقاتی آموزش موسیقی عمل می‌کنند، انجمن‌هایی تحقیقاتی با علایق تحقیقاتی مشابه هم هستند. گروه‌های اس ار ای جی اصلی در زمینه‌های سنجش و ارزیابی، پاسخ مؤثر، تاریخ، استراتژی‌های آموزشی، ادراک، دوران نوزادی، و تحقیقات عمومی فعالیت می‌کردند. رشته‌های جدید از سال 1978 به این گروه‌های تحقیقاتی افزوده شده‌اند. اکثر گروه‌های اس ار ای جی خبرنامه منتشر می‌کنند و جلساتی را در معاهدات ملی انجمن ملی آموزش موسیقی برگزار می‌کنند تا درباره‌ی حیطه‌های تحقیقاتی به‌خصوص خود و یافته‌های جدیدشان مباحثه کنند.

مرکز تاریخی انجمن ملی آموزش موسیقی (ام ای ان سی)

یکی دیگر از فعالیت‌های منس تاسیس مرکز تاریخی منس در دانشگاه مریلند در پارک کالج بود. منس با همکاری دانشگاه مریلند این مرکز را اداره می‌کنند و هدف آن «حفظ مدارک و منابعی است که بازتاب‌کننده و اثرگذار در تاریخ آموزش موسیقی در ایالات متحده هستند» (کتاب دستی، 1971، ص. 243). مرکزی تاریخی در بخشی از کتابخانه به نام «کلکسیون‌های خاص در موسیقی» است که محل نگهداری کلکسیون‌های آرشیو شده‌ی سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف است. از جمله: انجمن بین‌المللی آموزش موسیقی؛ سازمان رهبران موسیقی آمریکایی؛ سازمان ملی مدرسان سازهای کوبه‌ای و بادی؛ سازمان ملی رهبران گروه‌های کالج؛ کلینیک ارکسترها و گروه‌های بین‌المللی غرب میانه؛ انجمن قوم موسیقی‌شناسی؛ انجمن بین‌المللی کلارینت؛ سازمان مدرسان آمریکایی سازهای زهی؛ سازمان گردآورندگان نواهای ضبط شده؛ سازمان کتابخانه‌ی موسیقی؛ سازمان بین‌المللی کتابخانه‌های موسیقی، مراکز گردآوری و نگهداری مدارک - شعبه‌ی ایالات متحده؛ گروه کاربران او سی ال سی⁹⁰ موسیقی؛ و کلکسیون آبروینگ و مارجرى لوونز، که بر پژوهشگری موسیقی آمریکایی تاکید دارد. آرشیو بین‌المللی پیانو همچنین در کتابخانه‌ی دانشگاه مریلند در پارک کالج نگهداری می‌شود، اما بخشی از کلکسیون‌های خاص موسیقی محسوب نمی‌شود.

نشریه تحقیقات در آموزش موسیقی

جی آر ام ای آشکارترین تلاش تحقیقاتی منس است. این مجله نشر را از سال 1953 تحت ویراستاری آلن پی. بریتون⁹¹، که سردبیر کمیته‌ی ویراستاری بود، آغاز کرد. هدف اصلی مجله انتشار مقاله‌هایی بود که «گزارش نتایج تحقیقات در هر بخشی از آموزش موسیقی را می‌دهند». سه معیار برای پذیرش مقالات در جلد اول، شماره دوم (صص. 155 - 156) توسط بریتون فهرست شدند: (1) «آیا مقاله براساس مطالعه گسترده و جدی در زمینه‌های مرتبط با آموزش موسیقی است؟» (2) «آیا نویسنده مقاله از اعضای متخصص آموزش موسیقی است؟» (3) «آیا مقاله بر اساس پایان‌نامه یا رساله‌ی دانشگاهی در آموزش موسیقی است؟». معیارهای دوم و سوم از شروط ضروری نبودند، اما از الویت بالایی برخوردار بودند.

⁹⁰ OCLC

⁹¹ Allen P. Britton

برای سال‌ها اغلب مقالات جی آر ام ای بر پایه‌ی تحقیقات توصیفی و تاریخی بودند. در اوایل دهه‌ی 1960، مدرسان موسیقی، همچون مدرسان رشته‌های دیگر، شروع به ارزش نهادن به روش‌های تجربی کردند و محتوای جی آر ام ای این روند را بازتاب داد. با انتصاب رابرت جی. پتزولد⁹² به عنوان سردبیر در سال 1972 اکثر مقالات انعکاس تکنیک‌های تحقیقاتی توصیفی و تجربی شدند. سردبیران بعدی جمیز سی. کارلسن⁹³ در سال 1978، جرج ال. درکسن⁹⁴ در سال 1981 (سردبیر بازیگری)، جک ای. تایلر⁹⁵ در سال 1982 و ردلف رادوسی⁹⁶ در سال 1988 بودند. مجله «گزارشات تحقیقاتی را که به وضوح به نظریه‌های آموزش موسیقی کمک می‌کنند» را چاپ می‌کند. این موضوع شامل تحقیقات براساس تکنیک‌های تجربی، توصیفی، تاریخی و فلسفی می‌شود. تجزیه و تحلیل محتویات مجله‌ی جی آر ام ای از 1953 تا 1983 توسط کرنلیا یاربرو⁹⁷ (1984، صص. 213 – 220) نشان می‌دهد که سهم هر مقاله براساس تکنیک‌های تحقیقاتی چگونه است:

تاریخی	16.17٪
فلسفی	3.77٪
تجربی	31.13٪
توصیفی	41.51٪
رفتاری	0.63٪
دیگر تکنیک‌ها	6.29٪

جرج وایمر⁹⁸ (1980) مقایسه‌ای بین تاکید جی آر ام ای و نوع رساله‌های انجام شده در دانشگاه‌ها فراهم کرد. در بررسی 1760 رساله، او دریافت که 11 درصد آن‌ها تاریخی، 2 درصد فلسفی، 18 درصد در خصوص دستورالعمل‌های آموزش موسیقی، 32 درصد ارزیابی، 8 درصد ساختار موزیکال، و 8 درصد تکنولوژی ساختاری و 10 درصد در گروه‌بندی‌های متفرقه می‌باشند.

سازمان‌های دیگر به‌عنوان محلِ فروشی برای گزارشات تحقیقاتی

یکی از تاثیرات رشد تحقیقات در نیمه‌ی دوم قرن بیستم افزایش چشمگیر مجله‌های عملی بود که از آن طریق محققان قادر به انتشار یافته‌هایشان می‌شدند. بین سال‌های 1900 تا 1949 در هر دهه به طور میانگین 6.2 مجله‌ی جدید موسیقی ایجاد می‌شد. در دهه‌ی 1950 تعداد 58 مجله‌ی موسیقی، در دهه‌ی 1960 حدود 37 مجله، و در دهه‌ی 1970 حدود 41 مجله‌ی جدید به چاپ رسیدند. حداقل 8 مورد دیگر در اوایل دهه‌ی 1980 نیز یافت شدند (باسارت، 1984). برخی از این مجلات

⁹² Robert G. Petzold

⁹³ James C. Carlsen

⁹⁴ George L. Duerksen

⁹⁵ Jack A. Taylor

⁹⁶ Rudolph Radocy

⁹⁷ Cornelia Yarbrough

⁹⁸ George Weimer

به تحقیقات آموزش موسیقی اختصاص داده شدند و برخی دیگر دربردارنده موضوعات مرتبط با آموزش موسیقی بودند که مورد توجه و علاقه‌ی محققان آموزش موسیقی واقع شد. در سال 1989 به تنهایی دو مجله‌ی مبنی بر تحقیقات جدید در زمینه‌ی آموزش موسیقی تاسیس شدند: کوارترلی⁹⁹ (فصلنامه) که توسط دانشگاه کلرادوی شمالی منتشر شد و مجله‌ی ساوت ایسترن (جنوب شرقی) که دانشگاه جرجیا آن را به چاپ می‌رساند. سازمان مدرسان موسیقی فلوریدا و سازمان مدرسان موسیقی کانادا به طور سالانه یک شماره را به گزارشات تحقیقات اختصاص می‌دهند.

شورای تحقیقات آموزش موسیقی

در سال 1963 گروهی از محققان آموزش موسیقی در معاهدات منس در مینه‌سوتا پلیس¹⁰⁰ به منظور تاسیس شورای تحقیقات آموزش موسیقی با یکدیگر ملاقات کردند. اعضای شورا محققانی بودند که بر نقد مطالعات تحقیقاتی توافق نمودند. آن‌ها چندین مطالعه را بررسی کردند و اطلاعات را به صورت نشری راهنما به چاپ رساندند. پاسخ‌های مشتاق، نمایانگر نیاز و میل شدیدی به چنین انتشاراتی در جامعه‌ی تحقیقاتی آموزش موسیقی بود. در ابتدا دانشگاه ایلی‌نویز و سرپرست آموزش عمومی دفتر ایلی‌نویز حامی سی آر ام ای شدند و امروزه پژوهش‌نامه‌ی شورای تحقیقات آموزش موسیقی توسط دانشگاه ایلی‌نویز منتشر می‌شود. ریچارد کولول¹⁰¹، از دانشگاه ایلی‌نویز، تا سال 1989 به عنوان سردبیر این پژوهش‌نامه فعالیت کرد و در این سال برای کار به عنوان استاد برجسته‌ی موسیقی در دانشگاه شمال کولاردو نشریه را ترک کرد. پس از وی مریلین زیمرمان¹⁰² به عنوان سردبیر نشریه جایگزین گشت.

هر شماره‌ی پژوهش‌نامه شامل مقاله‌هایی مرتبط با آموزش موسیقی است و توسط اعضای رساله‌های دکترای سی آر ام ای بازبینی می‌شود. شورا همچنین فهرستی از رساله‌های دکترای آموزش موسیقی را منتشر می‌کند که در حال انجام هستند و یا اخیراً انجام شده و برای بررسی در پژوهش‌نامه‌ی ابلاغیه در دسترس هستند.

مجله‌های مذکور (مجله‌ی تحقیقات در آموزش موسیقی و پژوهش‌نامه‌ی شورای تحقیقات در آموزش موسیقی) به همراه پژوهش‌نامه‌ی تحقیقات تاریخی در آموزش موسیقی در کتاب "آموزش موسیقی معاصر" توسط مایکل ال. مارک¹⁰³ در سال 1984 فهرست‌بندی شدند (1986).

پژوهش‌نامه‌ی تحقیقات تاریخی در آموزش موسیقی در سال 1980 توسط جرج هلر¹⁰⁴ تاسیس شد. این پژوهش‌نامه به عنوان نتیجه‌ی گروه تازه تاسیس گروه مورد علاقه‌ی تحقیقات ویژه‌ی تاریخ منس بنا نهاده شد. این پژوهش‌نامه در دانشگاه کانزاس منتشر شد و به عنوان میدان گفت‌وگویی برای مورخان آموزش موسیقی، رسانه‌ای برای انتشار یافته‌های تحقیقاتی در

⁹⁹ Quarterly

¹⁰⁰ Minneapolis

¹⁰¹ Richard Colwell

¹⁰² Marilyn Zimmerman

¹⁰³ Michael L. Mark

¹⁰⁴ George Heller

تاریخ آموزش موسیقی و منبع اطلاعات مربوط به مطالعات تاریخ این حرفه عمل می‌کند. این پژوهش‌نامه «تحقیقاتی با اساس تاریخی و فلسفی که به هر نوعی به آموزش موسیقی مرتبط می‌شوند» را به نمایش می‌گذارد (هلر، 1980).

به‌روزرسانی: کاربردهای تحقیق در آموزش موسیقی در سال 1982 توسط چارلز الیوت با بودجه‌ی دانشگاه کارلینای جنوبی منتشر شد. منس در سال 1990 مسئولیت این مجله را بر عهده گرفت. هدف آن انتشار یافته‌های تحقیقات برای معلمان موسیقی مدارس عمومی به زبان ساده است. تمامی مقالات بر اساس تحقیقات هستند. تاکید آن‌ها بیش از آن که بر آمار و روندهای تحقیقات باشد، بر بیان و کاربرد آن‌ها در کلاس است.

حمایت دولتی برای تحقیقات آموزش موسیقی

بخش مهمی از تاریخ تحقیقات آموزش موسیقی آمریکایی بین سال‌های 1950 تا 1970 اتفاق افتاد، زمانی که دولت فدرال به حدی به آموزش علاقمند شد که حمایت از تحقیقات در رشته‌های بسیاری از جمله موسیقی را فراهم آورد. [این] تاثیر بزرگی از مشارکت دولت در تحقیقات آموزشی گروه‌بندی آموزش موسیقی با آموزش دیگر رشته‌های هنری بود. هر چند تحقیقات آموزش موسیقی حمایت شده توسط دولت همیشه بین‌رشته‌ای نبود. تحقیقات آموزش موسیقی به ندرت به عنوان مرجعی مستقل برای خود به منظور دریافت حمایت دولتی در نظر گرفته می‌شد.

برنامه‌ی هنر و [علوم] انسانی در وزارت آموزش و پرورش ایالت متحده

آگوست هکرشکر¹⁰⁵، مشاور وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده (یو اس او ای)¹⁰⁶، رابطه‌ی بین دولت و هنر را بررسی کرد و در سال 1963 نوشت «در حال حاضر بهای اندکی به هنر داده می‌شود و حتی در اغلب برنامه‌های تمرینی یا آموزشی نادیده گرفته می‌شود؛ و اطلاعات تحقیقی پایه در این زمینه در کل به ندرت پیگیری می‌شوند» (کورفی و جونز، 1976، ص. 3). روند رویدادهایی که منجر به تامین بودجه برای تحقیقات آموزش هنر شد، زمانی آغاز گشت که رییس‌جمهور کندی در سال 1962 فرانسیس کپل¹⁰⁷ را وزیر آموزش کرد. کپل به نوبه‌ی خود کاترین بلوم¹⁰⁸ را مدیر بخش روابط فرهنگی کرد. تحت نظارت بلوم، نام بخش روابط فرهنگی به «بخش هنر و انسانیت» تغییر یافت که بعدها در سال 1965 به برنامه‌ی هنر و انسانیت (ای اچ پی)¹⁰⁹ تبدیل شد. مدیر ای اچ پی مشاور ویژه‌ی وزیر هنر و انسانیت بود، موقعیتی که هنر را در وزارت آموزش و پرورش تقویت کرد. حمایتی غیرمنتظره از سوی کمیته‌ی مشورتی علمی رییس‌جمهور به میان آمد که در گزارشات سال 1962 بیان شد که این حمایت در باب عدم تعادل در کمک‌های فدرال به هنر در مقایسه با علوم می‌باشد. اعضای هیئت منصفه‌ی کمیته‌ی توسعه و تحقیقات در آموزش موسیقی این پرسش را مطرح کردند که «آیا اصلاح برنامه‌های آموزشی آن‌طور که در

¹⁰⁵ August Heckscher

¹⁰⁶ USOE

¹⁰⁷ Francis Keppel

¹⁰⁸ Kathryn Bloom

¹⁰⁹ AHP

آموزش علوم پیشرفت کرده‌اند، قابل اجرا در آموزش هنر نیز هستند» (نوآوری و آزمایش، 1974). نتیجه‌ی فوری، طرفداری اعضای هیئت منصفه از حمایت‌های مالی آموزش هنر، تشکیل سازمان «سینار بیبل برای آموزش موسیقی» بود.

در سال 1966 صد میلیون دلار برای پروژه‌های آموزش هنر اختصاص داده شد که عموماً تحت عناوین فعالیت‌های آموزشی اولیه و ثانویه (ای اس ای ای) ¹¹⁰ بودند. این مقدار تا سه سال پس از آن نسبتاً ثابت ماند و پس از آن تحت عنوان بودجه چهارم ای. اس. ای. کاهش یافت، برنامه به نسبت کوچکی که بودجه‌هایی را به طور اختصاصی برای «تحقیقات و فعالیت‌های مربوطه در هنر و انسانیت» فراهم می‌کرد. فقط در دو سال، 1966 و 1968، بیش از دو میلیون دلار [بودجه] اختصاص داده شد، اما از آن جهت حائز اهمیت بود که «اولین تلاش‌های ملی منسجم در تحقیقات آموزش هنر را ممکن ساخت؛ همچنین محرکی برای دیگر بودجه‌های آموزش هنر فراهم آورد» (مورفی و جونز، 1976، صص. 3، 4).

امکانات تحقیقاتی منطقه‌ای و ملی

بودجه چهارم ای. اس. ای. صد میلیون دلار را طی 5 سال برای امکانات تحقیقاتی منطقه‌ای و ملی، گسترش برنامه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای موجود، و برنامه‌های آموزشی برای محققان آموزش اختصاص داد. تحت بودجه‌ی چهارم، نه مرکز توسعه و تحقیقات آموزشی به منظور گردهم آوردن استعداد‌های بین‌رشته‌ای تاسیس شدند تا با کمک تلاش‌ها و همکاری‌های گسترده بر مشکلات اساسی آموزشی تمرکز کنند و به پیدایش نوآوری‌های آموزشی یاری رسانند. مراکز توسعه و تحقیقات آموزشی، بخشی از گروه موسساتی بزرگتر بودند که شامل دو مرکز تحقیقات مصلحت آموزشی، دو مرکز تحقیقاتی آموزشی شغلی، پانزده لابراتور آموزشی منطقه‌ای و مرکز اطلاعات تحقیقاتی آموزشی (ای آر آی سی) بودند.

یکی از برجسته‌ترین پروژه‌های آموزشی هنر که با بودجه‌ی چهارم برنامه‌ی تحقیقاتی همکاری حاصل شد، برنامه‌ی آموزشی زیبایی‌شناسی لابراتور آموزشی منطقه‌ای غرب میانه مرکزی (سی ای ام آر ای ال) ¹¹¹ در سنت لوئیس بود. هدف این پروژه توسعه‌ی داده‌های تحقیقاتی برای حمایت از آموزش‌های زیبایی‌شناسی از طریق آموزش هنر بود.

پروژه صفر در دانشگاه هاروارد، بودجه‌ای برای تحقیقات آموزش زیبایی‌شناسی دریافت کرد. این پروژه به این دلیل پروژه‌ی صفر نام‌گذاری شد که «با اعتقادی فراتر از یک وظیفه و برخی مفاهیم تجربی درمورد اینکه ابتدا توجه‌مان را به کدام سو معطوف سازیم»، آغاز شد. پروژه‌ی صفر از یک پایه‌ی تحقیقاتی به برنامه‌های کاربردی در مدارس، موزه‌ها و تلویزیون گسترش یافت. هدف آن بررسی عملکرد نمادین انسان، با تاکید بر آفرینش و درک در هنرها بود. این پروژه به دنبال مشارکت و بینش از رشته‌های فلسفه، روانشناسی رشد و شناختی، ریاضیات و آموزش و همچنین هنرها بوده است (مورفی و جونز، 1976، ص. 21).

110 ESEA

111 CEMREL

شورای تحقیقات آموزش موسیقی برای سه پروژه‌ی دیگر جهت تعلیم محققان آموزش موسیقی بودجه‌های دیگری دریافت کرد (1968، 1969، 1970). این پروژه‌ها که با نام موسسات آموزشی ام ای ار سی شناخته شده‌اند، پس از برنامه‌های اولیه‌ی سازمان تحقیقاتی آموزش آمریکایی (ای ای آر ای) به عنوان الگو شناخته شدند. تمرکز کارگاه اول بر روی مدل‌های تحقیقاتی به ویژه الگوهای آزمایشی بود. کارگاه سال بعد مدل‌های آموزشی بر اساس اهداف رفتاری را نشان داد. هر دو اهداف در کارگاه سوم استفاده شدند (نلسون و ویلیامز، 1977). هر جلسه شامل حداقل نوزده ساعت دستورالعمل‌های رسمی، آموزش‌های غیررسمی افزوده و بحث‌هایی در گروه‌های کوچک می‌شد.

شورا در سال 1970 بودجه‌ی تحقیقات آموزشی به طور جدی کاهش داد که جلسات آموزشی تحقیقاتی بعدی موفق به بهرمندی از حمایت دولت نشدند.

دیگر پروژه‌های تحقیقاتی با بودجه‌ی دولتی

علاوه بر موارد مذکور، بودجه‌ی شماره چهار ای اس ای ای پروژه‌های تحقیقاتی بسیار دیگری را در آموزش هنر حمایت کرد، که بسیاری از آن‌ها در زمینه‌ی آموزش موسیقی بودند. چارلز سوفن¹¹² (1964، 1965، 1968) و رابرت پتزولد (1959، 1966)، دو مورد از اولین پروژه‌هایی که شامل طرح کمک هزینه شدند، مجموعه‌ای از پروژه‌ها از جمله مطالعات طولی اصلی را انجام دادند که نمونه‌های اولیه‌ای از مزیت بودجه برای تحقیقات بودند. در میان مطالعات آموزشی موسیقی که توسط بودجه‌ی چهارم حمایت شدند، پروژه‌های بسیاری بودند که در سطح ملی شناخته شدند. این پروژه‌ها شامل پروژه‌ی زنجیره‌ای سال 1965 توسط پاول رولند (1965، 1971) و پروژه‌ی کاتالگ جولیار، بخش‌هایی از پروژه‌ی موسیقی معاصر و پروژه‌ی برنامه‌ی درسی موسیقی مهن‌ویل بودند. در سال 1966 برنامه‌ی هنر و انسانیت یو اس او ای به تنهایی 48 پروژه‌ی تحقیقاتی در موسیقی، 46 پروژه در هنر، 18 پروژه در تئاتر و رقص، 4 پروژه‌ی هنر به صورت کلی و 11 پروژه در انسانیت را حمایت کرد. حدود 200 پروژه‌ی آموزش موسیقی طی دهه‌ی 1960 حمایت شدند که 30 تا 40 پروژه از آن‌ها تحقیقات پایه بودند (به معنای «تحقیقی برای دانشی نو یا تایید تجربی بهتر از یافته‌های اولیه»). حدود 70 پروژه برای فعالیت‌های توسعه‌ای بودند و باقی در زمینه‌ی توسعه‌ی برنامه‌ی آموزشی بودند، که یو اس او ای آن‌ها را تحقیقاتی کاربردی در آموزش هنر برشمارد. از 11 میلیون دلار خرج شده، حدود 1.2 میلیون دلار (20 درصد) برای تحقیقات پایه‌ای و 1.6 میلیون دلار (15 درصد) برای تحقیقات توسعه‌ای پرداخت شد. بیش از 7 میلیون دلار (65 درصد) به مطالعات کاربردی برنامه‌های آموزشی و موضوعات مربوطه اختصاص داده شد (مورفی و جونز، 1976، ص. 9). موسیقی بیشترین بودجه را دریافت کرد - بیش از 3 میلیون دلار - و برخی پروژه‌ها جوایزی به مبلغ چند صد هزار دلار دریافت کردند. تفاوت پروژه‌های موسیقی و هنر در این است که مدرسان هنر بیشتر با ماهیت هنر و زیبایی‌شناسی سروکار دارند، درحالی‌که مدرسان موسیقی بیشتر تمایل به تمرکز بر موضوعات کاربردی همچون روش‌های آموزشی دارند. بودجه‌ی موسیقی 11 نظرسنجی، کنفرانس و مطالعات برنامه‌های آموزشی را حمایت کرد.

نزول برنامه‌ی هنر و [علوم] انسانی

در اواخر دهه‌ی 1960 فعالیت برنامه‌ی هنر و انسانیت کاهش پیدا کرد؛ کنگره دوباره توجه و منابعش را به تغییرات اجتماعی و سیاسی در حال وقوع در ایالات متحده برگرداند. اکثر بودجه‌هایشان دوباره به سوی اعطاهای ملی جدید برای انسانیت و هنر برگردانده شد و ادامه‌ی حمایت تحقیقات آموزشی هنر برای وزارت ایالات متحده غیرممکن شد. مسئولیت تحقیقات آموزشی در سطح فدرال به سازمان ملی آموزش (ان آئی ای) محول گردید. اما، این سازمان فقط حمایت‌های اندکی را برای تحقیقات وابسته به هنر در نظر گرفت. هرچند، برخی تحقیقات ان آئی ای شامل هنر می‌شدند و در نتیجه قادر به ادامه‌ی تحقیقاتشان در زمینه آموزش هنر شدند. لابراتوار آموزش منطقه‌ای غرب میانه مرکزی (سی ای ام آر ای ال) و لابراتوار آموزش منطقه‌ای جنوب غربی بودجه‌هایی دریافت کردند که با بودجه‌ی چهارم آغاز گشتند و موجب پیشبرد اهداف آموزش موسیقی شدند. همچنین پروژه‌ی صفر حمایت‌هایی نیز دریافت کرد.

در سال 1985 کنگره‌ی نود و نهم پیشنهاد کرد که کمک‌های ملی هنر برای حمایت از آموزش هنر صورت پذیرند. یکی از پاسخ‌ها به این فرمان، تاسیس مرکز ملی تحقیقات آموزش هنر در سال 1987 در دانشگاه ایلی‌نویز و دانشگاه نیویورک بود که بودجه‌ای مشترکاً از دپارتمان آموزش ایالات متحده دریافت می‌کردند. هدف مرکز ایلی‌نویز «انجام تحقیقات در مورد وضعیت آموزش هنر و روند درگیر در توسعه و اجرای برنامه‌های آموزش هنر» بود (لئونهارد، 1990). مرکز تحقیقاتی دانشگاه نیویورک بیش از دوره‌ی سه ساله‌ی اولیه ادامه داد. هدف آن شناسایی پروژه‌های تحقیقاتی مهم برای مدارس و تعلیم معلمان به عنوان محققانی بود که قادر به حل مشکلات خود باشند (راث، 1990).

احیای حمایت‌های بنیادهای خصوصی از تحقیقات آموزش هنر

مثال‌هایی در رابطه با حمایت بنیادهای خصوصی از تحقیقات آموزش موسیقی می‌توان یافت. به طور حتم برجسته‌ترین نمونه، پروژه‌ی موسیقی معاصر است که با بودجه‌ی بنیاد فورد در سال 1959 برای تاسیس پروژه‌ی آهنگسازان جوان آغاز گشت. با تحویل گرفتن پروژه در سال 1963 توسط کنفرانس ملی مدرسان موسیقی، پروژه وسیع‌تر شد و به پروژه‌ی موسیقی معاصر برای خلاقیت در آموزش موسیقی (سی ام پی) تبدیل شد. بنیاد فورد 1.380.000 دلار به منس برای حمایت از سی ام پی اعطا کرد و بعدتر 1.340.000 دلار دیگر به این بنیاد اعطا کرد. بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی این رشته تحت حمایت سی ام پی انجام شدند و یکی از نتایج کاربردی آن گسترش برنامه‌های درسی جامع نوازندگی موسیقی بود.

همایش‌های تحقیقاتی

در دهه‌های 1970 و 1980 چندین همایش برگزار شد تا انتشار اطلاعات تحقیقات در جنبه‌های مختلف آموزش موسیقی را تسهیل کنند. این نکته قابل ذکر است که چهار همایش که در اینجا توصیف می‌شوند، جنبه‌های مختلف و گسترده‌ای از آموزش موسیقی را بررسی کرده‌اند - آموزش موسیقی و روانشناسی، آموزش موسیقی و جامعه‌شناسی، آموزش موسیقی و تاریخ آمریکا،

و فلسفه‌ی آموزش موسیقی. بسیاری از همایش‌ها منتشر شدند که مشارکت مثبت با مطبوعات گروه‌های مورد علاقه‌ی ویژه‌ی همکاران را اثبات کردند.

همایش آن آربر^{۱۱۳} در مورد کاربردهای روانشناسی در آموزش و یادگیری موسیقی در سال‌های 1978، 1979 و 1981 در دانشگاه میشیگان با حمایت دانشگاه، بنیاد تئودور پرس و ام ای ان سی برگزار شد. هدف همایش بررسی رابطه‌ی بین تحقیقات در حوزه‌های مشخص روانشناسی رفتاری و آموزش موسیقی بود. همایش وسلین^{۱۱۴} در مورد کاربرد مردم‌شناسی اجتماعی در آموزش و یادگیری موسیقی از 6 تا 10 آگوست سال 1984 با حمایت دانشگاه وسلین، ام ای ان سی و بنیاد تئودور پرس برگزار شد. موسیقی در مدارس آمریکایی، از سال 1838 تا 1988، همایش تحقیقاتی تاریخی که در صد و پنجاهمین سالگرد معرفی موسیقی به عنوان موضوع درسی در مدارس آمریکا برگزار شد. این همایش در آگوست سال 1988 در دانشگاه مریلند در پارک کالج برگزار شد. همایش فیسلوف و معلم در موسیقی، که بر تحقیقات و آموزش در فلسفه آموزش موسیقی تمرکز دارد، در سال 1990 در دانشگاه ایندیانا برگزار شد.

رابطه بین تحقیق و عمل

مثالی از تأثیر تحقیقات آموزش موسیقی بر عمل آموزش موسیقی، اولین رساله با موضوعی مرتبط با آموزش موسیقی است - «ریتم» از تادئوس ال. بولتن. که هامفریز نقل می‌کند که فیلیپ سی. هایدن را تحت تأثیر قرار داده است. ارائه‌ی اثر هایدن در سال 1907 در مورد آموزش ریتم به کودکان دلیلی برای گردهمایی مربیان موسیقی در کنوکوک ایووا شد. این ملاقات منجر به تشکیل کنفرانس ملی مدرسان موسیقی شد. کار هایدن نیز تحت تأثیر تحقیقی دیگر به نام «تربیت شنوایی در حالت‌های ریتم» بود (هلر، 1982). دیگر اجزای تحقیقات همچون مطالعه‌ی صداها‌ی کودکان، و جنبش سنجش و ارزیابی، بر فعالیت‌های آموزش موسیقی تأثیر گذاشتند.

هرچند به طور کلی، ارتباط بین تحقیق و عمل در آموزش موسیقی قوی نبوده است، روانشناس آموزشی رابرت گلاسر بیان کرده است که تحقیقات، هیچ بنیان علمی محکمی برای عمل آموزش فراهم نمی‌کنند. در بهترین شرایط، تحقیقات به مدرسان در تصمیم‌گیری‌های منطقی کمک می‌کنند. او هشدار می‌دهد که تحقیقات نمی‌تواند جایگزینی برای هوش خلاق در حل کردن مشکلات آموزشی شوند. بنت رایمر با نظر وی موافق است و می‌گوید فرض اینکه تحقیقات برای عمل آموزش کاربرد دارند یا باید کاربرد داشته باشند، دور از انتظار است.

بسیاری از محققان معتقدند همان‌طور که ادبیات تحقیق گسترش پیدا می‌کنند، متخصصین راهی می‌یابند تا از آن مطابق نیازشان استفاده کنند. هر چند جامعه‌ی تحقیقات صرفاً به دنبال جواب برای مشکلات خاص متخصصین نیست. محققان دیگر پیشنهاد کردند که واسطه‌ها راهی برای اجرای تحقیقات در عمل آموزش ارائه دهند و مدرسان تحقیقات خود را انجام دهند.

¹¹³ Ann Arbor

¹¹⁴ Wesleyan

هرچند، سوال هرگز حل نشد و محققان انجمنی جدا از متخصصان باقی می‌مانند. در سال 1986 در سخنرانی منس، رابرت پترزولد در مورد رابطه‌ی تحقیق و عمل می‌گوید:

این اختلاف بین آنچه که تحقیقات در مورد راه‌های بهبود آموزش به دست می‌آورند و آنچه که آموزگاران انجام می‌دهند، هنوز به طور رضایت‌بخشی حل نشده است. عمل آموزش بیشتر بر پایه‌ی سنت، حس مشترک، تجربه و توافق مشترک انجام می‌شود و امکان تغییر آن در نتیجه‌ی مطالعات منفرد که به نظر می‌آیند ارتباط اندکی با روند آموزش-یادگیری موسیقی دارند، غیرممکن به نظر می‌رسد. همچنین تا زمانی که متخصصان توانایی ارزیابی و تفسیر یافته‌های تحقیقی را که به مشکلاتشان مرتبط است را در خود بهبود نبخشند، تغییر غیرممکن است. این که بسیاری از متخصصان قردانی و درکی ندارند یا تحقیق نمی‌کنند، بخشی به دلیل بی نتیجه بودن بسیاری از یافته‌های تحقیق، زبان مورد استفاده در گزارش تحقیقات، کمبود ارتباط و همکاری بین محققین و مدرسان، و ناتوانی جامعه‌ی تحقیقاتی در تفسیر یافته‌ها بصورت منابع معنادار و قابل فهم جهت استفاده‌ی مدرسان می‌باشد. ما اکنون فرصت‌های انتشار داریم. تا زمانی که تحقیقات ما بطور معنادار به نیاز مدرسان حساس نباشد و بر مشکلات اساسی آنان تمرکز نکنند، مدرسان دلایل اندکی برای جذب به نتایج ما دارند. شاید، همانطور که گروه‌های اس آر آی جی مطرح کردند، اولین قدم کمک به مدرسان موسیقی برای همکاری با محققین و انجام حقیقی تحقیقات باشد.

دلیل اصلی این که تحقیقات تأثیر اندکی بر آموزش موسیقی دارند، این است که برنامه‌های تحقیقاتی قلیلی به صورت ثابت بر روی موضوعاتی کار کرده‌اند که به اندازه کافی تکاملی و توسعه‌ای هستند تا قابل انتقال از نظریه به عمل بشوند. ادوین گوردون (1980، 1984) مثال نادری از محقق آموزش موسیقی است که سال‌های متوالی موضوع خاصی را دنبال کرد تا کار خود را به وضعیت کاربردی آموزشی تبدیل سازد. او پس از سال‌ها کار بر روی تولید نظریه، آزمایش آن‌ها در مطالعات بسیار و آزمایش دوباره‌ی آن‌ها، منابع و تکنیک‌های آموزشی را بر اساس تحقیقاتش توسعه داد.

همان‌طور که نیاز به مسئولیت آموزشی رشد می‌یابد، برای مدرسان ضرورت دارد تا بیشتر کارهایشان را بر اساس تحقیقات اعتبار بخشند. در واقع بنا بر قانون برخی ایالت‌ها، پایه‌ی تحقیقات برای کار آموزشی ضروری است. مضحک می‌شد اگر ضروریات قانونی اتحاد تحقیق و عمل را اجباری می‌کردند، در حالی که مدرسان موسیقی از نظر تاریخی به تنهایی موفقیت محدودی به دست می‌آوردند. هرچند، صرف نظر از بحث‌های قانونی، احتمال دارد که مدرسان و محققان به دنبال راهی باشند تا تلاش‌های خود را با کمک یکدیگر در توسعه و بهبود آموزش موسیقی تقویت کنند.